



Research Paper

The components of the religion of knowledge in the interpretation of Abu Jafar Muhammad bin Ishaq Kilini

Hossein Kalbasi Ashetar*¹¹ Full Professor of Allameh Tabataba'i University: Tehran- Iran.[10.22080/jre.2023.25132.1175](https://doi.org/10.22080/jre.2023.25132.1175)**Received:**

March 3, 2023

Accepted:

September 9, 2023

Available online:

March 18, 2024

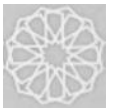
Keywords:

religion of knowledge, existence of imam, reason, evolution, clinical

Abstract

In this article, we intend to refer to the introduction of the most important collection of Imami hadith societies, namely the Sharif book Usul Kafi written by Abu Ja'far Ishaq Kilini (d. 329 A.H.), his presentation of the basics of knowledge of Khatam religion in a way that is unique in its kind. And it is unique, let us introduce. In this presentation, while stating the requirements and standards of the conscious and responsible universe for a prophet and guardian (peace be upon him), Kilini explained and demonstrated the existence of the infallible Imam (peace be upon him) in the world of existence based on the requirements of reason and wisdom. It is that the Imam's existential philosophy and following him is in full compliance with the requirements of the creation system and the philosophy of creation. It seems that this is an issue that can be discussed under the topic of the connection between reason and Sharia, and nowadays there is no place for its detail in the discourse of the philosophy of religion, and it needs to be addressed.

***Corresponding Author:** Hossein Kalbasi Ashetar**Address:** Full Professor of Allameh Tabataba'i University: Tehran- Iran**Email:** hkalbasi@atu.ac.ir



Extended Abstract

1. Introduction

This paper will discuss the role of hadith and hadith communities, and the epistemological and moral function of precious texts, such as the principles of al-Kafi (Usool al-Kafi) in the regulation and coordination of individual and social relations, and also in the field of understanding religion as the only way to reach the goals of creation. Compilation of the al-Kafi book by Sheikh Kolayni (d. 329 A.H.) is considered one of the most important scientific and cultural events in the world of Shia and Islam, after which other hadith societies emerged and provided the ground for scientific expansion and the development of Ijtihad and original inference based on rational and narrative proofs; the kind of Ijtihad that takes reason, its laws, and rules as a guide and internal proof and considers it to be consistent with the teachings and rulings of Sharia. But before explaining the coordinates and components of al-Kafi theology, a brief look at the course of Hadith communities is beneficial.

2. Method

The research method in this study follows a descriptive-analytical approach, and the data was collected through the library method.

3. Results

In this research, by referring to the introduction of the most important collection of hadith societies of the Imamiyyah, namely the principles of al-Kafi (Usool al-Kafi) written by Abu Ja'far Ishaq Kolayni (d. 329 A.H.), Kolayni's presentation of the basis of knowledge of Islam was introduced in a unique and one of a kind way. In this presentation, while stating that the conscious and responsible universe needs the prophet (PBUH), Kolayni explained that

the existence of the Imam (PBUH) in the world is based on the requirements of reason and wisdom. He also demonstrated that Imam's existential philosophy and following him are in full compliance with the requirements of the creation system and the philosophy of creation. It seems that this is an issue that can be discussed under the topic of the relationship between reason and Sharia, and needs to be addressed in the discourse of the philosophy of religion nowadays. At the end of the al-Kafi book, Kolayni mentioned the relation between reason and the virtue of science, which shows his view on the principles of an epistemological approach to religion, and of course, this matter is considered an introduction to the principle of rationality and wisdom in Islam.

4. Conclusion

Kolayni's main concern in introducing the truth of religion is to know it rationally with certainty and wisdom. Another result has been obtained from this; that religion and divine law, contrary to popular opinion, do not have a pure devotional aspect, rather they are related to the system of creation and the requirements of human growth and development for human perfection, and without them, it is impossible to achieve the purpose of creation. It seems that the discussion of the relationship between reason and Sharia will become clearer and more precise in light of these considerations.

Funding

There is no funding support.

Authors' contribution

This paper was written by Hossein Kalbasi Ashtari and all the responsibility for this article rests with him.

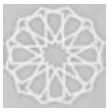
Conflict of interest

The author declares no conflict of interest.



Acknowledgments

The author appreciates all the scientific consultants in this article.



References

- Ardakani, M. (2011). *Tohfa al-Awliya* (2nd ed.). Translation of Usul Kafi. Research by Moradi, M. Qom, Dar al-Hadith.
- Kolayni, M. (2014). *Al-Kafi* (3rd ed.). Corrected and translated and explained by b Ostad Vali, H. Qom, Dar al-Saghlain.
- Shirazi, M. (2005). *Description of Kafi Principles* (2nd ed.). Translated and edited by Khajawi, M. Tehran Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
- Rabbani, M. H. (2016). *An investigation in al-Kafi*. Mashhad, Astan Quds Razavi.
- Tabatabai, S. M. H. (2010). *Shia* (6th ed.). Tehran, Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran.
- Tabatabai, S. M. H. (2021). *Shia in Islam*. Prepared, corrected, and researched by Parsa, M. K. Tehran, Allameh Tabatabai University.
- Unknown, (2000). *Al-Sharuh and Al-Hawashi Ali Al-Kafi*. Qom, Dar al-Hadith.
- Unknown, (2010). *About Kolayni and Al-Kafi*. Collection of works of the International Congress of Commemoration of Thaqa-ul-Islam Kalini, Qom, Dar al-Hadith.
- Vafaie, M. (2012). *History of Shia Hadith* (2nd ed.). Qom, Dar al-Hadith.



علمی

مؤلفه‌های دین شناخت در تقریر ابوجعفر محمد بن اسحق کلینی

حسین کلباسی اشتری^{*۱}^۱ استاد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران[10.22080/jre.2023.25132.1175](https://doi.org/10.22080/jre.2023.25132.1175)

چکیده

در این نوشتار قصد آن داریم با رجوع به مقدمه مهم‌ترین جامع از جوامع حدیثی امامیه، یعنی کتاب شریف اصول کافی به قلم ابوجعفر اسحاق کلینی (م. ۳۲۹ ق.) تقریر وی از مبانی شناخت دین خاتم را به شیوه‌ای که در نوع خود یگانه و بی‌نظیر است، معرفی کنیم. کلینی در این تقریر، ضمن بیان مناسبات و ملاک نیازمندی کائنات آگاه و مسئول به نبی و وصی (علیه‌السلام)، به شیوه‌ای برهانی، وجود امام معصوم (علیه‌السلام) را در سپهر هستی بر پایه مقتضیات عقل و دانائی تبیین کرده و نشان داده است که فلسفه وجودی امام و تبعیت از او با مقتضای نظام تکوین و فلسفه آفرینش مطابقت تام و تمام دارد. به نظر می‌رسد این موضوعی است که در ذیل مبحث ملازمه میان عقل و شرع مندرج و قابل طرح است و امروزه جای تفصیل آن در گفتمان فلسفه دین خالی است و نیاز است که به آن پرداخته شود.

تاریخ دریافت:

۱۲ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۸ شهریور ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

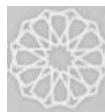
۲۸ اسفند ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها:

دین شناخت، وجود امام، عقل، تکوین، کلینی

^{*} نویسنده مسئول: حسین کلباسی اشتریایمیل: hkalbasi@atu.ac.ir

آدرس: استاد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران



۱ درآمد

- این است که شیعه نه یک گروه و اقلیت جداشده از اکثریت مسلمانان، بلکه گروهی از پیروان پیامبر بودند که بر رعایت دستورات و سفارش‌های پیامبر (ص) تأکید و نسبت به دور شدن از تعلیمات صریح کتاب خدا و رسول او اعتراض می‌کردند. از این رو باید گفت این اکثریت بودند که در آغاز با فاصله گرفتن از تعلیمات قرآن و پیامبر (ص)، راه دیگری را با عنوان مصلحت و مانند آن گشودند و این فاصله گرفتن روزبه‌روز افزایش یافت. علامه طباطبائی در این زمینه می‌گوید:

حقیقت این است که شیعه طایفه‌ای است از مسلمین که به واسطه مخالفت‌هایی که از اکثریت، نسبت به مسلمات کتاب و سنت مشاهده کرده، در مقام اعتراض و انتقاد برآمده و به ملازمت مسلمات کتاب و سنت برخاسته و دعوت کرده است... (طباطبائی، ۱۳۸۸، ۱۷)

ایشان در همین زمینه در جای دیگری می‌نویسد:

این انتقاد و اعتراض بود که اقلیتی را از اکثریت جدا کرد و پیروان علی (ع) را به همین نام «شیعه علی» به جامعه شناسانید و دستگاه خلافت نیز به مقتضای سیاست وقت مراقب بود که اقلیت نامبرده به این نام معروف نشود و جامعه به دو دسته اقلیت و اکثریت منقسم نگردد، بلکه خلافت را «اجماعی» می‌شمردند و معترض را «متخلف از بیعت» و «متخلف از جماعت مسلمانان» می‌نامیدند و گاهی با تعبیرات زشت دیگر یاد می‌کردند. (طباطبائی، ۱۳۹۹، ۱۱۳)

بدین ترتیب، تلقی برخی از مستشرقان و منتقدان در تاریخ اسلام که منشأ پیدایش مکتب شیعه را به اموری مانند اختلاف سیاسی و قبیله‌ای و نزاع بر سر قدرت و مانند این‌ها تحویل و بازمی‌گردانند، با واقعیت‌های مسلم تاریخی مطابقت ندارد (همان، ۱۳۸۸، ۱۸-۱۹)؛ واقعیاتی که حتی توسط بسیاری از عالمان و نویسندگان از پیروان خلفا و اهل سنت نیز تصدیق شده است.

درست مقارن با رحلت پیامبر اکرم (ص) و حتی هم‌زمان با تشییع و تجهیز و تغسیل بدن مبارک ایشان بود که با تشکیل سقیفه بنی ساعده توسط عده‌ای از صحابه به منظور تعیین خلیفه و جانشین پیامبر (ص) برخلاف نص و تصریح کتاب خدا و رسول او، نخستین انشعاب و تفرقه در جمعیت نوپای مسلمانان پدید آمد، انشعابی که با گذشت چهارده قرن از آن زمان، همچنان باقی است و پیامدهای منفی آن همچون زخمی عمیق بر پیکر جامعه مسلمین ترمیم نیافته است. در خصوص آثار و نتایج و رخدادهای متعاقب این مقطع، انبوهی از تحلیل‌های تاریخی و انتقادی در قالب کتاب و مقاله، حتی به قلم غیرمسلمانان - به‌ویژه توسط مستشرقان - نگاشته شده است که نشان از اهمیت موضوع و نقش آن نه‌تنها در قلمرو دارالاسلام، بلکه در سپهر جهانی داشته و دارد. در اینجا به مناسبت بحث تنها به یک جنبه خاص از موضوع یعنی نقش حدیث و جوامع حدیثی و کارکرد معرفتی و اخلاقی متون گران‌سنگی چون *اصول کافی* در تنظیم و تنسيق مناسبات فردی و اجتماعی و آن هم در عرصه شناخت دین به‌مثابه تنها راه وصول به غایات آفرینش خواهیم پرداخت و طبعاً به لحاظ گستره و تنوع لایه‌های مختلف، از ورود به مباحث مندرج در علوم درایه و رجال و تفسیر و حتی تاریخ حدیث صرف‌نظر می‌کنیم.

این روشن است که نخستین مدخل مرتبط با تحقیقات حدیثی و روایی - یا به‌طور کلی موضوع «سنت» و یا «عترت» - عبارت است از زمینه‌های شکل‌گیری شیعه و شیعیان به‌عنوان بخش عظیمی از جامعه مسلمین که عمدتاً در مسأله جانشینی بلافضل امام علی بن ابی‌طالب (ع) پس از پیامبر (ص) و به‌طور کلی موضوع امامت و ولایت و شرایط رهبر جامعه اسلامی از دیگر طوایف مسلمانان امتیاز می‌یابند. از مهم‌ترین نکاتی که در پیدایش شیعه باید بدان توجه داشت - و مع‌الاسف از دید بسیاری از مستشرقان و حتی برخی پژوهشگران به‌دورمانده



دست به جعل حدیث می‌زدند. (طباطبائی، ۱۳۸۸، ۳۳)

در چنین شرایطی بود که احادیث صحیح و قطعی‌الصدور که می‌توانست در تبیین و تفسیر آیات کتاب خدا و در حکم راهنما و شاخص نظر و عمل بکار آید و راه و جهت جوامع مسلمین و بلکه کل بشریت را متوجه غایات و اهداف آفرینش سازد، از گردونه معارف اصیل و ناب الهی خارج گردیده و تشخیص صحیح از سقیم در معارف اصیل و الهی دشوار و بلکه ناممکن گردد:

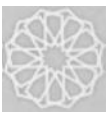
پیغمبر اسلام پیش بینی کرده بود که به زودی این گرفتاری دامنگیر عالم اسلام خواهد شد و لذا دستور داده بود احادیثی را که از وی نقل می‌شود، به کتاب خدا عرضه داشته و پس از آن بپذیرند، ولی غوغایی که پیشرفت حیرت آور علم حدیث در محیط اسلامی برپا کرده بود، هرگز اجازه اجرای چنین دستوری را نمی‌داد و روات و ناقلین حدیث هم فرصت این کار را نداشتند (طباطبائی، ۱۳۸۸، ۳۴)

با وقوع چنین دگرگونی‌هایی بود که شمار قابل‌توجهی از احادیث اصیل و صحیح به دست فراموشی سپرده شود و آن مقدار باقیمانده نیز از ترس حکومت‌های وقت پنهان گردد و از افشاء آنها جلوگیری شود (همان، ۳۵) و مهم‌تر اینکه آن ملاک و معیاری که در کلام پیامبر (ص) برای تشخیص صحت و اصالت حدیث - یعنی عرضه حدیث به کتاب خدا - تعیین شده بود، تدریجاً به کنار رفت و متعاقب آن، مجال ورود انبوهی از مجعولات و اسرائیلیات به‌عنوان سخن و فعل پیامبر (ص) به قلمرو مسلمین فراهم گردد و این در حالی بود که در میان شیعیان همچنان ملاک مطابقت حدیث با کلام خدا موردتوجه قرار داشت. در چنین شرایطی بود که اهتمام به شکل‌گیری جوامع حدیثی به‌منظور دور ماندن حدیث از جعل و دس و تصحیف و تحریف از همان زمان حیات امامان معصوم (ع) آغاز و به‌ویژه در زمان غیبت صغری نسبت به تنظیم و ترتیب و نشر آنها اقدام گسترده‌تری به عمل آمد. در این میان تدوین کتاب *الکافی* به دست ثقه‌الاسلام

(برای نمونه: دینوری، ابن قتیبه، امامت و سیاست، ترجمه سید ناصر طباطبائی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰) رفتار و منش ناصواب خلفا در عرصه حکومت و سیاست و بخصوص عدم تقید آنها نسبت به احکام و موازین دینی و شرعی تا بدانجا پیش رفت که موجبات اعتراض گسترده جامعه اسلامی و بروز تنش‌های مکرر و متعدد را فراهم آورد و عاقبت به قتل خلیفه سوم انجامید. (همان، ۱۳۹۹، ۱۱۶-۱۲۲) دسته‌ای از این روش‌های ناپسند و مذموم، غیر از پدیده مهم و سرنوشت‌ساز «منع کتابت حدیث» است که با بحث حاضر ارتباط می‌یابد. این پدیده که از زمان خلیفه اول آغاز و در زمان خلیفه دوم به اوج خود رسید، به‌واقع گنجینه‌ای بی‌بدیل از دین خاتم را - یعنی تعلیمات پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) که به استناد ادله و براهین عقلی و نقلی، تالی تلو کتاب خداست و بدون آن، فهم کتاب خدا نیز میسر نیست - از دسترس مشتاقان و جویندگان هدایت و سعادت حقیقی خارج ساخت و در عوض انبوهی از احادیث ضعیف، مشکوک و مجهول را به بدنه آسیب‌دیده جامعه اسلامی تزریق کرد که کمترین پیامد سوء آن متوجه مقام و اعتبار احادیث نزد عموم مسلمانان شد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان عوامل زیر را در بروز وضعیت یادشده برای احادیث مأثوره از خاندان عصمت (ع) در آن روزگار برشمرد:

۱. ممنوعیت بحث و تحقیق در معارف دینی با تمسک به شعار «حسبنا کتاب الله»؛
۲. نبودن روح تحقیق در عامه صحابه؛
۳. منع کتابت حدیث با تمسک به مفروض الطاعه بودن مقام خلافت؛
۴. ظهور عده‌ای پرشمار از ناقلین و جاعلین حدیث که مطابق میل خود اخبار و معارف انبیای سلف را نقل می‌کردند؛
۵. اقبال بیش از حد عموم مسلمین به حدیث ناقلینی که در جهت منافع حُکام و سران وقت



از این رو این مجموعه به «اصول چهارگانه» شهرت یافته است.

برابر گزارش فهرست‌هایی مانند *رجال نجاشی*، *فهرست شیخ طوسی* و *فهرست ابن ندیم*، مجموع کتب حدیثی تا پایان غیبت صغری و قبل از غیبت کبری حدود سه هزار کتاب و رساله بوده است. برخی از این مصادر روایی، بزرگ و جامع بوده‌اند، مانند *جامع بزنطی* و برخی کوچک و مختصر. مع الاسف از این مجموعه عظیم و پرشمار اکنون تنها نه رساله و کتاب در دسترس ماست و بقیه به دلایلی از دسترس خارج شده یا از میان رفته است. از زمره این کتب عبارتند از:

۱. کتاب *سُلیم بن قیس*

۲. *محاسن برقی*

۳. *بصائر الدرجات*

۴. *تفسیر قمی*

۵. *الامامه و التبصره*

۶. *قرب الاسناد*

۷. *کتاب کافی*

۸. *اصول سته عشر*

در این زمینه علاوه بر راویان و ضبط کنندگان حدیث، نقش حکام و حکومت‌های وقت را نیز نباید از نظر دور داشت، به‌گونه‌ای که برای نمونه، با تسلط سلسله آل بویه (۳۲۱-۴۴۸) در ایران و عراق، مدارس شیعی نیز در آن مناطق رونق یافت و مثلاً عضدالدوله دیلمی در سال ۳۶۷ مدرسه عضدیه را در کربلا و در جوار مرقد سیدالشهدا (ع) تأسیس کرد که این مدرسه تا نیمه دوم قرن چهاردهم پابرجا بود. همچنین تلاش‌های مؤثر و درخشان کسانی چون محمد بن یعقوب کلینی (۳۲۹)، علی بن بابویه قمی (۳۲۹)، محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق (۳۸۱)، سید رضی (۴۰۶)، سید مرتضی (۴۳۶)، شیخ مفید (۴۱۳) و به‌ویژه شاگرد ایشان یعنی شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی (۴۶۰) و تصنیف و

کلینی (م. ۳۲۹ ق.) از زمره مهم‌ترین رویدادهای علمی و فرهنگی عالم تشیع و بلکه عالم اسلام بشمار می‌رود که در پی آن جوامع حدیثی دیگری نیز پدید آمد و زمینه گسترش علمی از یکسو و رونق یافتن اجتهاد و استنباط اصیل و مبتنی بر مدارک و ادله عقلی و نقلی را فراهم آورد؛ آن‌گونه اجتهادی که عقل و قوانین و قضایای آن را به‌منزله راهنما و حجت داخلی اخذ کرده و آن را با تعلیمات و احکام شرع مطابق و ملازم می‌داند، لیکن پیش از تبیین مختصات و مؤلفه‌های دین‌شناسی صاحب *کافی*، نگاهی اجمالی به سیر جوامع حدیثی خالی از فایده نیست.

۲ حدیث و جوامع حدیثی

شیعیان در زمان حیات امامان (ع) هر چند برای دسترسی به آنها با محدودیت‌های بسیاری از جانب خلفا و حُکام بنی امیه و بنی عباس مواجه بودند و افزون بر این از انواع آزارها و شکنجه‌ها مصون نبودند، لیکن با آغاز غیبت صغری، همین اتصال و ارتباط محدود نیز محدودتر و پرسش‌ها و درخواست‌ها از طریق سفرا و نواب اربعه به امام عصر (عج) عرضه و پاسخ دریافت می‌شد. با آغاز غیبت کبری نیاز به حفظ و ضبط و نشر احادیث بیش‌ازپیش بروز یافت، به‌ویژه با ظهور برخی نحله‌های کلامی و فقهی در میان عامه از یکسو و ظهور گرایش‌های اخباری و ظاهری در میان شیعیان از سوی دیگر. در چنین فضایی است که اهمیت کار راویان و صاحبان جوامع حدیثی و مبادی شکل‌گیری علمی چون رجال و درایه و تفسیر روشن می‌شود. از مهم‌ترین نتایج جمع‌آوری حدیث در دوران قبل از غیبت، شکل‌گیری مجموعه‌هایی است با عنوان «اصل» (و در جمع: «اصول») و «اصل» در اصطلاح به دفتر یا صحیفه‌ای اطلاق می‌شده که روایات امامان (ع) مستقیماً در آنها ضبط گردیده بود. شکل‌گیری این اصول از زمان امیرالمؤمنین علی (ع) تا زمان امام حسن عسگری (ع) و به‌ویژه در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) استمرار داشته و به‌تحقیق روشن شده که تعداد آنها به چهارصد دفتر می‌رسیده و



(صاحب من لایحضره الفقیه)، شیخ طوسی (صاحب تهذیب و استبصار)

مشایخ ثلاثه متأخر در علم حدیث: شامل شیخ حرّ عاملی (صاحب وسائل الشیعه)، ملا محمدباقر مجلسی (صاحب بحار الانوار)، فیض کاشانی (صاحب وافی)

مشایخ ثلاثه در علم فقه: شیخ مفید (صاحب مقنعه)، شیخ طوسی (صاحب نهاییه، خلاف، مبسوط)، سید مرتضی علم الهدی (صاحب انتصار)

مشایخ ثلاثه در علم رجال: احمد بن علی نجاشی (صاحب فهرست) و مشهور به «اضبط رجالیان»، شیخ طوسی (صاحب فهرست، رجال)، محمد بن عمر کسّی (صاحب رجال)

مشایخ ثلاثه در فقه و رجال: محمد بن ابی عمیر (۲۱۷)، ابی نصر بزنطی (۲۲۱)، صفوان بن یحیی (۲۱۰)

فقیهان حلّه: محقق حلّی (۶۷۵)، علامه حلّی (۷۲۶) (بنگرید: ربانی، محمدحسن، کافی شناسی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴، صص ۵-۶)

از میان مشایخ علم حدیث، نام یعقوب کلینی و کتاب گرانسنگ وی یعنی کافی از جهات مختلفی بر سایر جوامع روایی امتیاز یافته است:

نخست، معاصرت کلینی با سفرای امام عصر (عج). وی به منظور اتصال هر چه بیشتر به مصادر و مناع حدیث عازم بغداد شد و سالیان متمادی در آنجا سکنی گزید.

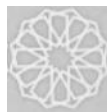
دوم، برخی از محققان معتقدند احادیث کتاب کافی بر امام عصر (عج) عرضه شده و ایشان درباره آن فرموده‌اند: «الکافی کاف لشیعتنا».

سوم، ابوجعفر کلینی با یک واسطه شاگرد امام حسن عسکری ۷ و با یک یا دو واسطه شاگرد امام هادی ۷ بوده است. علی بن ابراهیم - از اساتید و مشایخ کلینی - از اصحاب امام حسن عسکری ۷ بوده و پدر او - ابراهیم بن هاشم - نیز از اصحاب امام هادی ۷ و امام جواد ۷ بوده است؛ بنا براین روشن می‌شود کلینی تحت تعلیم و تربیت مشایخی قرار

تدوین آثاری چون تهذیب الاحکام و الاستبصار - دو کتاب از چهار کتاب معتبر حدیثی نزد امامیه - به دست وی، گام بزرگی در جهت حفظ مواریث و تعلیمات امامان (ع) و انتقال آن به نسل‌های بعدی برداشته شد. با حمله سلجوقیان به بغداد (۴۴۷) با همکاری دستگاه خلافت - و البته علیه شیعیان - بسیاری از آثار علمی امامیه و برای نمونه، طی حریق کتابخانه بزرگ شیخ طوسی از میان رفت و خود شیخ به ناچار مجبور به مهاجرت به نجف اشرف شد. این مهاجرت البته سبب پایه‌گذاری حوزه هزارساله نجف و تربیت صدها مجتهد و هزاران محصل و طلبه علوم دینی و شکل‌گیری انبوهی از آثار تحقیقی در علوم مختلف تا امروز گردید.

با درگذشت شیخ طوسی (۴۶۰)، از شتاب در امر تحقیق و تألیف و تصنیف - به‌ویژه در قلمرو حدیث - قدری کاسته شد تا اینکه با تألیف السرائر به قلم ابن ادريس حلّی (۵۹۸) تحرّکی دوباره در این عرصه ظاهر گردید. به همین سبب، نزد عالمان رجال و درایه، قرون اول تا پنجم قمری اصطلاحاً «دوره متقدمان» و قرن پنجم تا چهاردهم «دوره متأخران» نام گرفته است، هرچند در این فاصله آثار علمی مهمی در تفسیر و اخلاق و جوامع فقهی - روایی پدید آمد؛ آثاری چون: الخرائج و الجرائح قطب‌الدین راوندی (۵۳۷)، مجمع‌البیان و جوامع الجامع شیخ طبرسی (۵۴۸) و روض الجنان ابوالفتوح رازی (ح ۵۵۶) در تفسیر، شرایع الاسلام محقق حلّی (۶۷۶)، ارشادالقلوب دیلمی و مسالک‌الافهام شهید ثانی (۹۶۵) در فقه، جامع الاخبار شعیری سبزواری (ق هفتم) و عوالی اللئالی ابن ابی جمهور احسائی (ق نهم) در حدیث. چنانکه ملاحظه می‌شود برخی از این عالمان هم در فقه و هم در حدیث و بعضاً در علوم دیگری مانند تفسیر نیز دارای کتاب و صاحب‌نظرند و به‌عنوان مشایخ این علوم خوانده می‌شوند. این مشایخ در یک تقسیم‌بندی رایج به نحو زیر متمایز می‌شوند:

مشایخ ثلاثه متقدم در علم حدیث: شامل محمد بن یعقوب کلینی (صاحب کافی)، شیخ صدوق



گرفته که بی‌واسطه تحت تعلیم ائمه طاهرین قرار داشته‌اند.

چهارم، بسیاری از احادیثی که در *من لایحضره الفقیه* و *تهذیب به‌صورت مُرسل آمده*، در *کافی* به‌صورت مُسند آمده است.

پنجم، کلینی احادیث متعارض را کنار گذارده و به احادیث مشکوک و ضعیف پرداخته است.

ششم، کلینی به هر دو دسته از احادیث اصول و فروع پرداخته است، در حالی که کسانی مانند شیخ طوسی و شیخ صدوق تنها به احادیث فروع پرداخته‌اند.

هفتم، بسیاری از علما و محققان امامیه کتاب *کافی* و شخص کلینی را ستوده‌اند، هرچند نقدهایی را نیز متوجه شیوه کار صاحب *کافی* ساخته‌اند، ولی در مجموع مورد استناد قاطبه علما از دانش‌های مختلف قرار داشته و دارد.

هشتم، کلینی مبتکر دسته‌بندی احادیث اصول چهارصدگانه ظرف مدت بیست سال است، در نتیجه او را «أَصْبَطُ محدثان» و کتاب او را «أَصْبَطُ اصول» نامیده‌اند.

پس از کلینی، مشایخی چون شیخ صدوق و شیخ طوسی نیز روش او را در حدیث ادامه دادند و متأخران نیز در استنباطات و استنادات خود عمدتاً *کافی* را مقدم می‌داشتند. (همان)

۳ ویژگی‌های *کافی*

درباره *کافی* و امتیازات این اثر مهم و علاوه بر آن در خصوص شروح و تعلیقات این کتاب نیز تصحیح و تحقیق مفصلی صورت گرفته که نمونه آن چاپ و انتشار منقح شرح‌ها و تعلیقات این اثر در سال‌های اخیر است با این مشخصات: *الشروح و الحواشی علی الکافی*، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸

همچنین درباره این اثر به‌طور خاص تک‌نگارهایی نیز منتشر شده که به‌خودی‌خود از اهمیت و جایگاه این اثر در معارف و مطالعات دینی

حکایت دارد. برای اختصار در کلام و تنها به‌منظور یادآوری مختصات کلی این اثر و با بهره‌گیری از یکی از تحقیقات در این زمینه (ربانی، محمدحسن، *کافی شناسی*، مشهد آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳) به مواردی چند اشاره می‌کنیم:

۱. *کافی* در سه بخش اصول، فروع و روضه تدوین شده است که این تقسیم‌بندی بعدها نیز توسط علمایی چون شیخ طوسی و شیخ مفید نیز موردپذیرش قرار گرفت.

۲. بسیاری از بزرگان از علما و محققان در تمجید و ستایش *کافی* سخن‌ها گفته‌اند و حتی آنان که نقدهایی را نسبت به این اثر مطرح ساخته‌اند، وثاقت و امانت‌داری صاحب *کافی* را ستوده‌اند.

۳. با وجود چهره‌های بزرگی از راویان و صاحبان جوامع حدیثی در عالم اسلام، عنوان «ثقه‌الاسلام» تنها به صاحب *کافی* تعلق گرفته است، یعنی کسی که مورد توثیق فریقین قرار دارد.

۴. تعداد احادیث *کافی* بنا بر نقل شهید اول ۱۶۱۹۹ حدیث است که در مقایسه با سایر جوامع حدیثی امامیه امتیاز و جامعیت دارد و در مقایسه با جوامع حدیثی اهل سنت چنین است که برای نمونه، *صحیح بخاری* - مهم‌ترین کتاب حدیثی عامه - دارای ۷۲۷۵ حدیث است که با حذف مکررات آن حدود ۴۰۰۰ حدیث باقی می‌ماند.

۴ مقومات دین‌شناسی از نظر محمدبن یعقوب کلینی

در آغاز کتاب *کافی*، کلینی تمهید و مقدمه‌ای را فراهم ساخته که ضمن بیان دواعی و انگیزه‌های تدوین کتاب، دیدگاه او را نسبت به ویژگی‌های معرفت دینی و شناخت دین خدا از روی بصیرت و خردمندی روشن می‌سازد. این مقدمه هر چند در حکم درآمد کتاب است و تفصیل چندانی نیافته، لیک موردتوجه شماری از شارحان *کافی* و به‌ویژه ملاصدرا قرار گرفته و در شرح خود، بخش مستقلی را به همین خطبه آغازین اختصاص داده است. در خلال همین تمهید



۴. از آنجا که دین اسلام، دین خاتم و نبوت در آن نیز نبوت ختمی است، علاوه بر وجود نبی، وجود وصی به منظور بقای شرع و تعلیم آن به بندگان نیز ضرورت می‌یابد. (همان)

۵. از طریق امامان و اهل بیت پیامبر (ع) است که هدایت الهی آشکار می‌گردد و به واسطه آنان است که سرچشمه‌های دین حاصل می‌شود. امامان راه‌های شناخت خدا و دستیابی به حقیقت دین و اسرار نهفته در آن را عرضه می‌کنند. (همان) از آغازین دهه‌های طلوع دین خاتم، علاوه بر احتجاجات امامان در مواضع و مواقف گوناگون، کثیری از علما و دانشمندان در فلسفه و کلام و فقه، براهین و استدلال‌های متعددی را در ذیل عنوان «فلسفه وصایت و امامت» بیان کرده‌اند که در کتب موضوعی مندرج است. یکی از تقریرهای مربوط به ضرورت وجود امام معصوم (ع) به طریق برهانی چنین است که معرفی و عرضه راه‌های ایصال به غایات آفرینش، مستلزم آگاهی به مراتب و شئون و طُرُق پیچیده عالم است و تحقق این امر جز در وجود برگزیدگانی از سوی خدا که به تعلیم خدا مجهزند، در سایر موجودات میسر نمی‌شود.

۶. به جهت ضرورت وجود وصی در امر هدایت و دلالت، زمین خدا هیچ‌گاه از حجت او خالی نخواهد شد، زیرا امامان معصوم (ع) مایه حیات بندگان، چراغ روشن برای تاریکی‌ها و ستون دین‌اند و خدا رجوع بندگان بدانها را در آنچه نمی‌دانند و تمکین نسبت به اوامر آنها را واجب ساخت. (همان، ۳۰) به جهت اهمیت موضوع و به‌ویژه با توجه به شرایط آغاز عصر غیبت کبری، کلینی در «کتاب الحجه» اصول کافی روایات متعددی را در این زمینه گردآورده که خود نیازمند شرح و تفسیر مستقلی است.

۷. کلینی که ظاهراً کتاب کافی را به درخواست یکی از علماء و مراجع عصر مدون ساخته است، ضمن گلایه از جهال از ابناء زمان و رجوع مردمان به افراد ناآگاه و دین‌داری نابخردانه (التَّذْيُنُ بِغَيْرِ عِلْمٍ)، ورود در راه‌های نابخردی را مساوی و ملازم با ویرانی راه‌های خردمندی خوانده و لوازم نادانی را

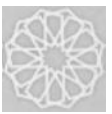
است که کلینی هم شیوه و ممشای خویش را در تدوین جامع حدیثی کافی بیان می‌کند و هم رویکرد وی در مؤلفه‌های شناخت دین خاتم روشن می‌شود و در کل باید گفت شیوه وی در این مجموعه، بر پایه عقل و استنتاجات عقلی است؛ چیزی که به‌تنهایی کافی را از دیگر جوامع حدیثی متمایز می‌سازد و در واقع همین رویکرد عقلی است که بیان و احتجاجات امامان (ع) را محیط بر دیگر کائنات ساخته است. در اینجا برای عدم تکرار عبارات متن و تنها با استناد به یکی از ترجمه‌های روان و دقیق کافی (ترجمه حسین استاد ولی، مشخصات نشر در بخش منابع) به تبیین تقریر کلینی در شناخت و شناساندن دین خواهیم پرداخت.

کلینی در مقدمه کافی پس از حمد و ستایش الهی و شهادت به یگانگی خدا و نبوت رسول خاتم - پیامبر اکرم (ص) - به بیان مناسبات ضرورت ارسال رسل و مناسبات نیاز کائنات آگاه، مختار و مسئول به وصی و امام (ع) پرداخته است که می‌توان تقریر وی در این زمینه را در عناوین زیر دسته‌بندی کرد:

۱. پیامبر اکرم (ص) دو چیز گران‌قدر را در میان امت خود برجای گذارد: کتاب خدا و جانشین و وصی خود، امیر مؤمنان علی (ع): «فَلَمَّا انْقَضَتْ مُدَّتُهُ وَ اسْتَكْمَلَتْ آيَاتُهُ...» (اصول کافی، ۱۳۹۲، ۲۸). نسبت میان کتاب خدا و رسول (ص) و اوصیای او (ع)، نسبت تألیفی است، بدین معنا که این دو ناظر بر یکدیگر و هر کدام تصدیق‌کننده و شهادت‌دهنده بر دیگری است. (همان)

۲. ماهیت تشریح و تکالیفی که خدا ابتدا به‌واسطه نبی (ص) و سپس وصی (ع) بر کائنات عرضه می‌کند (فلسفه نبوت و تشریح و امامت)، در جهت تکمیل وجودی و هدایت کائنات به‌سوی غایات هستی است. (همان، ۲۹)

۳. به‌منظور تبیین و تفسیر شرایع، وجود نبی و ابلاغ دین توسط او ضرورت دارد، از آن رو که حقیقت دین در معرض تصرفات و دگرگونی‌های بشری قرار نگیرد. (همان)



۱۳. از آنجا که موجود آگاه و مسئول، موجودی است پرسشگر و جستجوگر - و در غیر این صورت با چهارپایان و بهایم هم‌تراز بود - نیازمند تعلیم و کسب علم و برطرف ساختن مجهولات خویش است و از اینجاست که در کتاب خدا «تفقه در دین بر گروهی از مردم فرض شده» و همچنین به «رجوع به اهل ذکر و دانایان فرمان داده شده است». (همان)

۱۴. بر خردمند فرض است که در راه شناخت دین و راه بردن به‌سوی خدا تلاش کند و در جستجوی بهترین و نزدیک‌ترین راه برای رسیدن به مقصود بکوشد. (همان، ۳۵)

۱۵. این کوشش در جهت آن است که شناخت دین و انجام تکالیف از روی بصیرت و یقین و شناخت کافی صورت پذیرد، نه از روی تقلید یا تبعیت فاقد آگاهی، از آن‌رو که پاداش و جزای الهی میز مسبوق به توانایی و آگاهی است و روشن است که جاهل در معرض پاداش یا عقاب قرار نمی‌گیرد. (همان)

۱۶. بدین ترتیب، اهل شک و کسانی که به دین خدا از غیر علم وارد شده‌اند، نسبت به فعل خود جاهل و ازاین‌رو در معرض هیچ پاداش و جزایی واقع نمی‌شوند و در تعبیر کتاب خدا اینان در دنیا و آخرت از زیانکارانند. (همان، ۳۶)

۱۷. این تردید و شک از آن‌روست که بدون علم و یقین به دین در آمده‌اند و لاجرم بدون علم و یقین نیز از دین خارج می‌شوند، زیرا مطابق بیان امام (ع)، علم و یقین موجب پایداری در دین و فقدان علم موجب سستی در دین خواهد شد. (همان)

۱۸. شناخت حقیقت دین به اتکای برهان و عقل جز از طریق راهنمایان حقیقی - پیامبر و اوصیای او (ع) - میسر نیست، از آن‌رو که خداوند امر نبوت و وصایت و تعلیم حقایق جاویدان را به افرادی خاص واگذار کرده که با رجوع و تمسک بدانان راه را دریابند و از تاریکی‌های جهل و نابخردی رها شوند (همان، ۳۸)

در آنچه بشر بدان نیازمند است، بر می‌شمارد. (همان، ۳۱) در اینجا، به مهم‌ترین فراز خطبه آغازین کلینی برمی‌خوریم، یعنی «ملازمه میان آگاهی و دین‌داری». به تقریر کلینی، دین با تقلید کورکورانه از نیاکان و اعتماد به رأی و باورهای نادرست آنان و تعطیل ساختن عقل خویش و اتکا به پندارهای سست ناسازگار است. (همان)

۸. ابلاغ تکلیف و امرونهی الهی مستلزم وجود قوه اختیار و وجود اختیار مستلزم وجود قوه عقل و قدرت شناسایی است. (همان) اما تکلیف و مسئولیت نیز با امکانات، وسعت و توانایی‌ها مناسبت دارد، زیرا بر موجودی که فاقد توانایی است، تکلیف و مسئولیتی نیز بار نمی‌شود و ازاین‌رو تکالیف و مسئولیت‌های موجودات در نظام احسن با توانایی‌های آنان سنخیت یافته است.

۹. اسقاط تکلیف از کسانی که از توانایی و امکانات لازم برخوردارند، مساوی است با جواز جهالت و نادانی برای صاحبان خرد و کسانی که از قوه شناسایی برخوردارند. (همان، ۳۲)

۱۰. جواز اسقاط تکلیف از صاحبان خرد و توانایی، مساوی است با بطلان نزول وحی و ارسال کتاب و تعلیم آداب و از این‌ها نفی تدبیر نظام احسن نیز نتیجه می‌شود که این خود تصدیق و رجوع به سخن ماده باوران و منکران ماوراءالطبیعه - و به تعبیر کلینی «دهریون» - است (همان) و البته بطلان و ناسازگاری این سخن با فطرت آدمی آشکار است.

۱۱. بدین ترتیب، مقتضای عدل و حکمت خدا - که معتقد امامیه و معتزله است - ایجاب می‌کند کائنات مختار و مسئول را مکلف به تکالیف و موظف به وظائف کند تا امکان ایصال آنان به غایت هستی - توحید - از طریق صنع و آفرینش او فراهم شود. (همان)

۱۲. نیز بر خدا واجب است که چنین کائناتی را در جهل و نادانی قرار نداده به‌سوی خردمندی و دانائی رهنمون سازد. (همان، ۳۳)



از شناخت عقلانی آن توأم با یقین و خردمندی. از این امر نتیجه دیگری نیز حاصل شده است و اینکه دین و شریعت الهی به خلاف تلقی عامیانه، جنبه تعبدی محض نداشته، بلکه به منظور استکمال بشر با نظام تکوین و مقتضیات رشد و تکامل بشر مناسبت دارد و بدوم آن ایصال به مقاصد آفرینش ناممکن است. به نظر می‌رسد بحث از ملازمت میان عقل و شرع در پرتو این ملاحظات روشن‌تر و دقیق‌تر خواهد شد.

منابع مالی:

این مقاله فاقد هرگونه منابع مالی است.

سهم نویسندگان:

حسین کلباسی اشتری به عنوان نویسندهٔ مسؤول این مقاله را نوشته و نویسندهٔ مسؤول مسؤلیت این مقاله را بر عهده می‌گیرد.

تعارض منافع:

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تقدیر و تشکر:

از همهٔ اساتید و دوستانی که در ارتقای سطح کیفی مقاله یاری نموده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود.

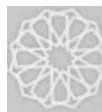
۱۹. بدین ترتیب، رجوع به کتاب خدا و واسطه تشریح امری است ضروری و از همین رو این امر بر هر موجود دارای درک و خرد نمایان است. (همان)

۲۰. از سوی دیگر، نه تنها علم به کتاب خدا نیازمند رجوع به عالمان به کلام خدا - نبی و وصی (ع) - است، بلکه در مواردی نیز که اختلاف در کلام آنان مشاهده شود، رجوع به کلام خودشان گریزناپذیر است و به تعبیر صاحب کافیه «بدان که هیچکس را نمی‌رسد که چیزی را که روایات امامان (ع) درباره آن مختلف است به رأی و نظر خود تشخیص دهد، مگر با قوانین کلی‌ای که خود امام (ع) قرار داده است». (همان، ۳۹) از این رو نه تنها تأویل - که بی‌شک امکانات آن در دسترس بشر عادی قرار ندارد - بلکه امکان تفسیر نیز با رجوع و استناد به کلام معصوم (ع) میسر است.

کلینی در پایان تمهید کافیه، به تقدیم داشتن باب عقل و فضیلت علم اشاره کرده و این خود نشان‌دهنده رویکرد وی به مقومات رهیافت معرفتی نسبت به دین است و البته این امر در ضمن باب نخست به عنوان معرف اصل عقلانیت و خردورزی در ساحت دین خاتم به شمار می‌رود.

۵ نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد می‌توان دریافت که دغدغه اصلی صاحب کافیه در معرفی حقیقت دین عبارت است



منابع:

طباطبائی، علامه سید محمدحسین، (۱۳۸۸)، شیعه، تهران موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ ششم.

طباطبائی، علامه سید محمدحسین، (۱۳۹۹)، شیعه در اسلام، تمهید و تصحیح و تحقیق محمد کریم پارسا، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی،

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۲)، اصول کافی، تصحیح و ترجمه و توضیح حسین استاد ولی، قم، دارالثقلین، چاپ سوم.

وفایی، مرتضی، (۱۳۹۰)، تاریخ حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، چاپ دوم.

اردکانی، محمدعلی بن محمدحسن، (۱۳۸۹)، تحفه الاولیاء (ترجمه اصول کافی)، تحقیق محمد مرادی، قم، دارالحدیث، چاپ دوم.

بی نام، (۱۳۷۸)، الشروح و الحواشی علی الکافی، قم، دارالحدیث.

بی نام، (۱۳۸۱)، درباره کلینی و الکافی، مجموعه آثار کنگره بین المللی بزرگداشت ثقه الاسلام کلینی، قم، دارالحدیث.

ربانی، محمدحسن، (۱۳۹۴)، کافی شناسی، مشهد آستان قدس رضوی.

شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا)، (۱۳۸۳)، شرح اصول کافی، ترجمه و تعلیق محمد خواجوی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.